



بررسی اوضاع و احوال کلی

دیدگاهی در مورد آینده سیستم

تجارت بین‌المللی *

مفاهیم اساسی تغییر یافته

درآمدند در سطح جهانی با تغییر در سیاست‌های ایالات متحده در خلال سالهای آخر حکومت کارتر - که بعضاً ناشی از فشار دولت‌های اروپائی بود - همسان بود. پی‌آمدهای اولیه این امر در اروپا، ایالات متحده و جهان در حال توسعه، دردآور بود. لکن، همانگونه که آخرین گزارش «گات» در مورد تجارت جهان نشان می‌دهد، توفیق در محدود ساختن تورم یکی از مهمترین علل تداوم رشد تجارت جهانی است.

جهان پس از سال ۱۹۷۱ احتمالاً برخی از سادگی‌هایی را که ویژگی سیستم به اصطلاح «امریکائی» در اوج خود بود، از دست داده است، لکن این فقدان بوسیله تغییر قابل ملاحظه‌ای در نگرش نسبت به مدیریت اقتصادی جبران گردیده است. این تغییر در آغاز نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ شروع به شکل‌گیری کرد و از دهه ۱۹۸۰ جو جدیدی برای دولت‌ها ایجاد نمود. بطور خلاصه، برخی از اجزای اصلی آن شامل موارد زیر بوده است:

* کاهش نقش دولت در مدیریت اقتصادی
سیاستمداران همواره در بکارگیری اصول جدید از ثبات قدم برخوردار نبوده‌اند، و هنوز هم کنترل‌های پنهان تقاضا از طریق سیاست‌های مالی و اعطای سوبسید به صنایع،

* اولویت دادن به سیاست‌های ضدتورمی
در اواخر دهه ۱۹۷۰، پذیرش الگوی آلمان غربی بوسیله فرانسه و سایر کشورهای اروپائی که به عضویت سیستم پولی اروپا

کشاورزی و سایر بخشها و گروهها صورت می‌پذیرد. لکن، بطور کلی، شبهه‌ای وجود ندارد که در حال حاضر نسبت به دهه تا پانزده سال قبل نظرات بیشتری متوجه نقش محدودتر دولت در مدیریت اقتصادی است.

حال حاضر نیاز به سیاستهای عقلانی غیرتورمی را در مدیریت اقتصاد و اولویت نیروهای بازار را پذیرفته‌اند برای آینده تجارت بین‌المللی از اهمیت بسزائی برخوردار است.

توفیق در کنترل تورم یکی از مهمترین علل تداوم رشد تجارت جهانی است.

نقش بازرگانی در اقتصاد سیاسی جدید

در اقتصادهائی که گرایش بیشتری به سمت بازار وجود دارد، دست‌اندرکاران بازار باید نقش مهمتری را در تعیین شرایطی که طبق آنها اقتصاد جهانی تحول می‌یابد بر عهده گیرند. نقش سیاسی مهم بازرگانی در سطح بین‌المللی را در اروپای غربی با وضوح بیشتری می‌توان دید، جائیکه ائتلاف بین رؤسای شرکتهای عمده اروپای غربی و کمیسیون جامعه اقتصادی اروپا — که از اوایل دهه ۱۹۸۰ به وجود آمده — به میزان قابل توجهی بر فرموله کردن و اجرای سیاستهای جامعه تأثیر نهاده است. هم نسل جدید سیاستهای صنعتی که در خلال کمیسیون تورن (Thorn Commision) به اجرا درآمدند و هم برنامه بازار واحد اروپا به ایده‌های بخش بازرگانی اروپا بسیار مدیون هستند.

لکن، نقش جامعه بازرگانی در تغییر شکل روابط داخلی جامعه اقتصادی اروپا

* پذیرش عمومی آزادسازی و افزایش رقابت یک نمونه آشکار از این مورد را در بازارهای مالی — چه در بین کشورها و مناطق و چه در سطح جهان — می‌توان یافت. بوسیله آزادسازی مقادیر معتنا بهی از دارائی‌های مالی، روشهای تأمین مالی عدم توازن در حسابهای جاری تغییر یافته و امکان کاهش منظم در کسری موازنه تجاری ایالات متحده — که بسیاری از اقتصاددانان حرفه‌ای و دست‌اندرکاران بازار تا همین اواخر آن را در کوتاه‌مدت غیرمحمتمل می‌پنداشتند — فراهم شده است.

تغییراتی که در خلال ده سال اخیر در شرایط ایدئولوژیکی بوقوع پیوسته در زمره مهمترین عواملی قرار دارند که این مرحله از بلوک‌بندیهای منطقه‌ای و سازماندهی مجدد در سطوح چندجانبه یا ملی را بسیار کم‌خطرتر از تجربیات مورد اشاره در خلال سالهای بین دو جنگ ساخته است. این واقعیت که نه تنها رهبران جهان غرب بلکه رهبران کشورهای جهان سوم و شرق نیز در

اولویتهای سیاستگذاری در اقتصاد سیاسی بین‌المللی جدید

تجزیه و تحلیل عرضه‌شده در بخشهای قبل باید تا حدودی به توضیح تناقض مورد اشاره در ابتدای مقاله (شماره قبل) کمک کند. رد کلیه پیش‌بینیهای بدبینانه در مورد تیرگی اوضاع بعنوان پیش‌بینی‌های ناصواب یا القاء این نظر که هیچ خطری نسبت به وضع فعلی وجود ندارد کاری اشتباه است. اما با بررسی دقیقتر موضوع، هیاهوی بسیاری از دست‌اندرکاران در مورد تحولات اخیر را می‌توان ناشی از تمایل آنان به قضاوت در مورد سیاستهای جاری بوسیله معیارهای قبلی دانست — در حالیکه حکمفرمایان اقتصاد بین‌المللی دیروز دیگر وجود ندارند. برگشت به جهانی که قبل از ۱۹۷۰ وجود داشت، زمینه‌ای برای سیاستگذاری فراهم نمی‌کنند. پس در این حال اولویت‌ها کدامند؟ موضوع اصلی، نیاز به یک استراتژی چندلایه است. قضیه را می‌توان تحت عنوان زیر خلاصه کرد:

خاتمه موفقیت‌آمیز مذاکرات دور اروگوئه

هدف از هیچ‌یک از مطالب گفته‌شده آن نیست که موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت دیگر مناسبی ندارد یا آنکه شکست مذاکرات دور اروگوئه فاجعه‌آیز نخواهد بود.

دیدگاهی در مورد آینده سیستم تجارت بین‌المللی ۶۳

بسیار فراتر از این امر است. عمل آنها بر مبنای این فرض که اکنون کم و بیش تشکیل بازار واحد امری حتمی است — برنامه‌ریزی استراتژیک، تصمیمات سرمایه‌گذاری، ادغام‌ها و خریداری سایر شرکتها بوسیله آنها — ساختار اقتصادی اروپا را قبلاً دگرگون ساخته و به واقعیت پیوستن اروپای ۱۹۹۲ را تضمین نموده است.

نقش بازرگانی در سطح جهان بنا به تعریف، از گستردگی زیادی برخوردار است. لکن، این موضوع تصادفی نیست که دبیرخانه «گات» در توضیح رشد سریع و غیرمنتظره تجارت جهانی در سال ۱۹۸۸، از میان مهمترین عوامل تأثیرگذار، نقش ایفاشده توسط سرمایه‌گذاریهای تجاری را بعنوان شاخص‌ترین برگزید: در منطقه کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حجم سرمایه‌گذاریهای خصوصی در طرحهای غیرمسکونی در سال ۱۹۸۸ به میزان ۱۱ درصد رشد داشته، که این نرخ از اوایل دهه ۱۹۷۰ تاکنون تنها دوبار سابقه داشته است. در عصر تولیدات صنعتی در سطح جهانی و تجارت بین‌گامها، تصمیم‌گیری شرکتها می‌تواند به گونه‌ای اساسی شرایطی را که رژیم بین‌المللی باید با آن روبه‌رو شود تغییر دهد. این تصمیمات همچنین بعنوان مانع دیگری در مقابل سیاستهای نابخردانه و رکود جهانی بشمار می‌آیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معیار اول نشانگر آمال نهائی است حال آنکه معیار دیگر شاهدهی است بر تلاشهای مداوم - و نه کاملاً موفق - که هدف آن داخل نمودن تعداد بیشتری از اعضاء و محصولات در حیطه موافقتنامه بین المللی می باشد. لکن، در فاصله بین اهداف جهانی و اهداف خاص نه تنها زمینه، بلکه نیاز به رژیم واسطی وجود دارد که از پائین ترین زمینه مشترک فراتر رود. داشتن حداقلی از موافقتنامه های بین المللی به خودی خود چیز خوبی است اما حیطه ها و مناطقی که در آنها استانداردهای بالاتری می توانند مورد

برعکس، این امر بسیار نامطلوب است و می تواند از نظر سیاسی نیز خطرناک باشد. لکن به منظور اثبات یک مورد اقتناع کننده درباره اینکه «گات» چه کارهایی می تواند و باید انجام دهد، توجه به کارهایی که «گات» نمی تواند انجام دهد، فوق العاده اهمیت دارد.

ابتدا لازم است تا بین وظایف «گات» بعنوان متولی برخی از عرفهای تجارت بین المللی و نقش آن در نظارت و حل و فصل اختلافات، تمایز قائل گردید. «گات» همواره شخصیتی متناقض داشته است.

ائتلاف بین رؤسای شرکتهای عمده غربی و کمیسیون جامعه اقتصادی اروپا به میزان قابل توجهی بر فرموله کردن و اجرای سیاستهای این جامعه تأثیر نهاده است.

توافق و اجرا قرار گیرند مطلوبیت استفاده از موافقتنامه را کاهش نمی دهد بلکه آنرا تکمیل می کند.

نکته مشابهی در رابطه با نقش عملی تر «گات» در نظارت و حل و فصل اختلافات پدید می آید. هر اندازه که «گات» بتواند هر یک از دو وظیفه مذکور را با کارائی به انجام رساند، اقتصاد جهانی از سلامت بیشتری برخوردار خواهد بود. لکن، رویه های گوناگون «گات» باید برحسب مطلوبیت و همچنین مؤثر بودن آنها طبقه بندی شوند. به این دلیل، بحث در مورد روشهایی که از طریق آنها نقش نظارتی «گات» می تواند

«گات» تجسمی از والاترین ایده آلهای جهانی است ضمن اینکه همزمان انعکاسی مادی و دنیائی از مصالحه هائی است که امضاء کنندگان آن توانسته اند از طریق مذاکره به آن دست یابند. اصول تجارت آزاد و غیر تبعیض آمیز که در مقدمه ماده (۱) آمده است برای همیشه پایدار خواهد ماند (یا باید بماند). استثنائاتی که در ماده (۱) در ارتباط با کالاهای کشاورزی مجاز شمرده شده اند به مشابه بنای یادبودی بر ضعف بشر و بده - بستانهای سیاسی هستند.

هر دو نوع معیار (چه دائمی و چه موقت) برای رژیم «گات» ضروری است.

«برخلاف بسیاری دیگر از سازمانهای بین‌المللی — و تا حدود زیادی بواسطه مبداء پیدایش خود — «گات» در دستگاه اداری عریض و طویل و رویه‌ها اداری که اغلب بصورت ضد کارآئی عمل می‌کنند، گرفتار نیست.»^۱ سایرین نسبت به سوابق این مجمع کوچک (واقع در کناره دریاچه ژنو) در زمینه اجماع نظرات، با توجه به رفتارهای کنترل‌نشده و پرهیجان در مشاجرات، و جنگهای تجاری در مورد موضوعات کم‌اهمیت‌ترین جامعه اقتصادی اروپا و ایالات متحده نظرات متفاوتی دارند. با این وجود، اگر بنا باشد از نتایج تأسف بارتر ظهور موافقتنامه‌های منطقه‌ای یا دوجانبه واسط و غیرجامع اجتناب گردد، و یک رژیم چندلایه واقعی و کارآمد ایجاد شود، لایه جهانی به اختیارات و بُرش بیشتری نیازمند خواهد بود. این امر بدان معناست که دبیرخانه «گات» باید قادر باشد تا تجزیه و تحلیل‌هایی مستقل و با کیفیتی مشابه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) را ارائه نماید. «گات» همچنین باید امکان انتقال نظرات خود را نه تنها به تعداد معدودی از دست‌اندرکاران، بلکه از طریق رسانه‌ها، پارلمان و آراء عمومی پیدا کند. این تحولات حاکی از تغییر عمده‌ای در سطوح

بهبود یابد از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون قدرتهای فوق ملی — از نوعی که در کمیسیون جامعه اقتصادی اروپا یا دادگاه اروپا وجود دارد — توانائی «گات» در برقراری نظم، با محدودیتهای آشکاری روبرو است. اما «گات» می‌تواند نسبت به وضعیت فعلی خود، کانون بسیار مهمتری در جهت فشار به خطا کاران باشد. اگر چه در خلال دوازده ماه اخیر در مباحثات غیراروپائی ابراز هیجانات شدیدی در مورد دژ نفوذناپذیر اروپا وجود داشته است، استفاده از فشارهای خارجی در متقاعد نمودن سیاستگذاران اروپائی در مورد این امر که پی آمدهای خارجی سیاستهای آنها از اهمیت حیاتی برخوردار است، غیرقابل انکار است. اگر ابزارها و روشهای نظارتی «گات» شدیداً تجدید سازمان شوند و تصمیمات آن انتقال یافته و تبلیغ شوند، این سازمان می‌تواند فشار خارجی را به صورتی بسیار سازنده نهادی سازد.

البته، این نهادی کردن، گام بزرگی است. مدیرکل‌های «گات» یکی پس از دیگری و بسیاری از نمایندگان دولتهای عضو به کوچک بودن دبیرخانه «گات» و تأکید شدید بر ایجاد اجماع در نظرات به روشی ساکت و صبورانه مباحثات می‌کنند. اولین مدیرکل «گات» اظهار نموده بود که

1. «Trade Policies for a Better Future», The Leutwiler Report (Nig off, 1987), P. 169.

سرمایه گذاری در شرق مطرح می شوند نه تنها برای کشورهای غربی مهم هستند بلکه بعنوان منبع تیرگی روابط و سوءتفاهم بین شرق و غرب نیز حائز اهمیت می باشند.

قدم دوم، مشارکت بخش خصوصی در این فرآیند است. تجربه اروپائی ها در دهه ۱۹۸۰ نشان داده است که ائتلاف بین

فعلی پرسنل و روشهای سازمانی «گات» خواهد بود. این تحولات از اقداماتی که در گروه کاری مربوط به انجام وظایف سیستم «گات» مورد بحث قرار دارد نیز فراتر می رود. بهرحال، اگر بنا باشد اصولی که تجارت بین المللی بر مبنای آنها بنا می شود بهتر درک شود و مقامات سازمانهای واسط

برای پی ریزی یک سیستم جدید جهانی، اولین قدم، مذاکره در مورد نوعی موافقتنامه با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق خواهد بود.

آژانسهای بین المللی (کمسیون جامعه اقتصادی اروپا) و رهبران جامعه بازرگانی تا چه اندازه می توانند مفید باشد. تعمیق روابط بین جامعه بازرگانی و دبیرخانه «گات» و هیأتهای مربوطه می تواند بسیار سودمند باشد.

ایجاد ابتکارات منطقه ای و دوجانبه

گروه بندیهای منطقه ای قویتر و حتی موافقتنامه های دوجانبه را می باید اولاً بعنوان واکنشی طبیعی نسبت به اضمحلال اقتصاد سیاسی بین المللی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و ثانیاً بعنوان مکمل نظم جهانی مورد ملاحظه قرار داد. هر کس که در این مورد شک دارد باید در مورد این امر تأمل نماید که آیا می توان یک طرح قانونی با ابعادی شبیه به آنچه که در گزارش رسمی ۱۹۸۵ جامعه اقتصادی اروپا درخواست شده، را در

به منظور رفتار معقولانه تر تحت فشار قرار گیرند، هزینه ای که برای این کار صرف می شود زیاد نیست.

اقدامات دیگری نیز وجود دارند که می توان برای پی ریزی سیستم جهانی از آنها استفاده کرد: اولین اقدام، مذاکره در مورد نوعی موافقتنامه با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق خواهد بود.

بدیهی است که در شرایط حاضر شرکت کامل این کشورها در «گات» به شکل عادی قابل تصور نیست. لکن، برای حضور اتحاد جماهیر شوروی در «گات» — حتی بصورت ناظر هم که شده — فواید بسیاری می توان برشمرد. این اقدام می تواند برای اتحاد جماهیر شوروی ارزشی آموزشی داشته باشد و فرآیند آزادسازی را استحکام بخشد. برای غرب نیز این اقدام مفید خواهد بود، چرا که موضوعاتی که بواسطه تجارت و

داخل «گات» مورد مذاکره قرار داد؟ اگر جواب منفی باشد، لزوم یک ساختار واسطه بدیهی می‌گردد. این خطر که مقامات این سازمانهای واسطه می‌توانند حمایتگرایی‌های جدیدی را ایجاد نمایند باعث ابطال این نکته نمی‌شود بلکه تنها این استدلال را تقویت

زلاندنو.

(۵) ایجاد یک سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در منطقه اقیانوس آرام با نقشی مشابه سازمان همکاری اقتصادی اولیه در اروپا.
(۶) تقویت بیشتر اتحادیه کشورهای

ترکیبی از اقدامات جهت باز نمودن درهای بازار جهان صنعتی، همراه با مذاکرات جدی در مورد از میان برداشتن موانع تجاری در کشورهای در حال توسعه، ضرورت دارد.

می‌کند که فقط یک روش چندلایه‌ای، مؤثر خواهد بود.

جنوب شرقی آسیا.
(۷) به واقعیت در آوردن همکاریهای منطقه‌ای در امریکای لاتین که از دیرباز یک آرزو بوده ولی جامه عمل نپوشیده است.

در این شرایط، هیچ دلیلی وجود ندارد که هریک از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به موارد زیر معترض باشند:

این فهرست را می‌توان بصورتی نامحدود گسترش داد. با انجام این کار آشکار خواهد شد که هیچ نوع خاصی از رژیم منطقه‌ای را نمی‌توان در همه جا بکاربرد و فصول مشترک، همزیستی ترتیبات ویژه و جو بهم ریختگی، بطور حتم از ویژگیهای حرکت در این جهت خواهند بود.

(۱) مذاکره در مورد یک موافقتنامه فراگیر بین جامعه اقتصادی اروپا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا به منظور جامه عمل پوشاندن به تعهد هجده کشور عضو در آوریل ۱۹۸۴ در لوکزامبورگ جهت ایجاد فضای پویایی در اقتصاد اروپا.

هماهنگی سیاستهای غرب در قبال جهان در حال توسعه

(۲) ایجاد یک رژیم منظم و اصولی که در بردارنده ارتباط بین جامعه اقتصادی اروپا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا با اقتصاد کشورهای مدیترانه باشد.

این ایده از قبل بطور ضمنی در دعوت به تقویت سیستم جهانی وجود دارد. لکن، بدلیل اهمیت ذاتی و منافع بلندمدت آن برای

(۳) شدت بخشیدن به مذاکرات ایالات متحده و مکزیک.
(۴) ایجاد همکاری بین استرالیا و

هر رژیم تجاری که به دولتها اجازه دهد از تجدید ساختار اقتصادهای خود اجتناب نمایند نه تنها به تجارت جهانی بلکه به خود آن کشورها نیز لطمه خواهد زد.

موافقت نامه الیاف چندگانه و حرکت بسوی تجارت آزاد محصولات کشاورزی بیش از آنچه که جامعه اقتصادی اروپا یا ایالات متحده مایل به انجام آن هستند به پیش بروند. اما در صورتیکه کشورهای غربی به اقدامات یکجانبه ای دست بزنند این امر برای کشورهای در حال توسعه مخاطره آمیز خواهد بود. جهان در حال توسعه نیز تولیدکنندگانی غیرکارآمد در کشاورزی و منسوجات دارد و هر رژیمی که اجازه دهد دولتها از تجدید ساختار اقتصادهای خود اجتناب نمایند نه تنها به تجارت جهانی بلکه به این کشورها نیز لطمه زده است. آنچه مورد نیاز است، کاربرد هماهنگ اصول آزادسازی در هر دو گروه از کشورها می باشد.

همکاری سیاسی در غرب

در مقاله ای که در ارتباط با شکل گیری تجارت بین المللی است، صحبت از همکاری سیاسی ممکن است عجیب بنظر برسد. در خلال ۲۵ سال اول اتحاد پس از جنگ، کشورهای عضو این اتحاد یک استراتژی دوگانه را به اجرا درآورده اند بطوریکه سیاستهای تجاری را از ملاحظات

کشورهای غرب، باید آنرا اصالتاً مورد توجه قرار داد. این امر نمایشی بسیار آشکار و موثر از این واقعیت خواهد بود که بلوک بندیهای منطقه ای و قراردادهای دوجانبه با مسئولیتهای تابعیت جهانی هیچگونه ناسازگاری ندارند. تفسیر در شرایط ایدئولوژیکی که در فوق به آن اشاره شد این تفاهم عمومی را ایجاد نموده است که آنان که به خود کمک می کنند، بیشترین رشد را خواهند داشت. عملکرد اخیر برخی از کشورهای در حال توسعه — همراه با یا بدون قیومیت صندوق بین المللی پول — این نظریه را اثبات می کند. هیچ نوع عقب گردی به قیومیت غیر موثر و پرهزینه دوران بعد از استعمار نباید وجود داشته باشد و مشروط و محدود کردن کشورها باید توأم با آزادسازی باشد.

در هر برنامه متوازن، تدابیر مالی از اهمیت بسزائی برخوردارند. سیاستهای تجاری نیز در این رابطه نقش دارند. آنچه مورد نیاز است ترکیبی از اقدامات، جهت باز نمودن درهای بازار جهان صنعتی، همراه با مذاکرات جدی در مورد از میان برداشتن تعرفه ها و سایر موانع تجاری در جهان در حال توسعه می باشد. در مذاکرات دور اروگوئه کشورهای صنعتی باید در مورد رها ساختن

در صورتیکه کشورهای غربی به اقدامات یکجانبه تجاری دست بزنند این امر برای کشورهای در حال توسعه مخاطره آمیز خواهد بود.

مذاکره کنندگان موضوعات تجاری تنها تعصبات خود را تقویت بخشند، نه فقط برای توسعه روابط شرق و غرب بلکه برای حفظ روابط دوستانه بین کشورهای غرب نیز می‌تواند خطرناک باشد لذا رهبری سیاسی به‌نحوروزافزونی مورد نیاز خواهد بود. در این زمینه اقدامات عملی گوناگونی نظیر احیاء پیشنهاد قدیمی به منظور ایجاد نهادی که مشورت مداوم بین جامعه اقتصادی اروپا و ایالات متحده در ارتباط با موضوعات سیاسی و نیز موارد خاص مورد نظر جامعه اروپا را تضمین نماید را می‌توان توصیه نمود. مکانیزم مشابهی را نیز می‌توان برای جامعه اقتصادی اروپا و ژاپن، یا با یک ساختار سه جانبه مستحکمتر، اندیشید.

لازم به تذکر است که درج ترجمه این مقاله به معنای تأیید آن و پذیرش مواضع مطروحه نبوده، بلکه صرفاً جهت اطلاع از نظرات گوناگون در این زمینه آمده است.

کلی‌تر سیاسی و امنیتی متمایز ساخته‌اند. این جدائی را می‌توان بواسطه عدم تقارن خود این اتحاد، و یا بواسطه ویژگی روابط شرق و غرب — که در آن توازن نظامی موضوع اصلی مورد توجه بود و قراردادهای تجاری از اهمیت کمتری برخوردار بودند — توجیه نمود.

اما، در اقتصاد سیاسی بین‌المللی جدید، حفظ استراتژی دوگانه، مناسب نیست. افرادی که مسئول سیاستهای تجاری یا اقتصادی هستند، تأثیر قاطعی بر روابط شرق و غرب دارند. مدیریت تغییرات در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی یکی از مهمترین آزمونهای دیپلماتیکی است که غرب با آن روبروست. ارتش‌ها از بانکها و جامعه اقتصادی اروپا کمتر درگیر این مسئله خواهند بود، چرا که جامعه اقتصادی اروپا از طریق سیاست مشترک تجاری خود، به همان اندازه شورای ناتو^۱ (NATO)، عمیقاً درگیر این مسئله خواهد بود.

فرموله کردن سیاستها بصورت بخشی، بطوری که در آن کارشناسان امنیتی فقط با کارشناسان امنیتی گفتگو کنند و